

که دیر کسی نصیحت او در دست گرفت بار خدا یا هر که اهل مرافقت او  
 آورد است چشم و بر انا پنا کرد آن زن در خانه خود نشسته  
 بود و چسب آن نهاد با حاضران گفت که چرا نمیکند گفتند  
 گفت انا الله چشم من با پنا شده و چون دانست که آن سبب  
 دعای ابو مسلم شده است برش و می آمد و اظهار توبه میکرد و  
 استدعای دعا میکرد تا آن وقت که ابو مسلم رحمه الله دعای  
 کرد که بار خدا یا اگر هست میگوید چشم و بر انا کن خدای انا  
 چشم و بر انا کن **دم از وی ارند** که گاهی که احوال  
 بروی همگه شدند گوکان و بر انا گفتند ای ابو مسلم دعا  
 کن تا خدا این دعا احوال از انا باز دارد تا ما بدست بگیریم وی دعا  
 کردی و خدای تعالی اینان را از رفتن باز داشتی تا گوکان  
 بدست بگیرند **عالم برین عیب نیست از وی ارند** که چون  
 عطای خود بگیرد در طرف ردای خود کردی و هیچ یک از مساکین  
 از وی چیزی طلب نداشتی مگر آنکه بدای چون جانانه رسیدی  
 از پیش اهل خود انداختی از این شدندی همان بودی که در اول بود

و هیچ کم و زیاده نیامدی **دم از وی ارند** که روزی قوی و بر انا  
 کردند چون کوچ همگه در مشک و بر انا رسید که در نه چون مقدار راه رفت  
 با خود گفت این شیر برای انا شدنت وقتی که بوضوح حاجت افتد  
 چه خواهم کرد یا زلفت و آن قوم را گفت که شیر آب است و آب  
 بر کنسید جبران کردند هر گاه که میخواهست که پنا شده شیر بر روی  
 آمد و از وی ارند که هر وقت که نماز کند وی شیطان بصورت  
 ماری متقل شدی و بر بر سر من وی در اندای و از استین وی بیرون  
 اندای وی از آن بسج متغیر نشدی و بر انا گفتند جبر این مار ملاز خود  
 دور نمیکتی گفت از خدای تعالی شرم میدارم که از غیر وی بترسم  
 والله که من آگاه نمیشوم آن وقت که پسران من درون می آیند  
 و بیرون می آیند **زاد آن گفتی رحمه الله** تا می گوئی بود روزی  
 گفت خداوند امن گرفته ام از روزن خانه وی نانی فرو فرستاد  
 مانند سنگ آسیای **از راه آن وی رحمه الله** تا بصری بود  
 روزی در مسجد امامت همگه چون بیان ایت رسید که فاذا تقر  
 فی النار بیضا و مرده **سید سید** از وی ارند که بعضی امراء

دم کم و زیاد